



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. ۵۱, No. ۲, Issue ۱۰۳

سال پنجاه و یکم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۳

Autumn & Winter ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۴۷-۷۴

DOI: <https://doi.org/10.22067/naqhs.v51i2/66913>

تحلیل انتقادی نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری*

توحید پاشائی آقابابا

دانش آموخته دکتری دانشگاه تربیت مدرس

Email: tohidpashai۲۰۰۰@gmail.com

دکتر نهله غروی نائینی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

Email: naeeni_n@modares.ac.ir

چکیده

یکی از رجالیان مهم ابن غضائری است که به تضعیف بسیار و سریع راویان مشهور است. او در کتاب رجالی خود موسوم به «الضعفاء» بسیاری از راویان را تضعیف کرده است. بسیاری از رجالیان آراء او را مردود شمردند و شمار کمی از رجالیان به آراء او اعتناء کردند. رجالی معاصر شیخ محمد تقی شوشتری در کتاب قاموس الرجال، از او دفاع و بسیار به تضعیفات او اعتماد کرده است. صرف نظر از اعتبار یا عدم اعتبار آراء ابن غضائری، اساسی‌ترین بحث، میزان اعتبار نسخه کتاب الضعفاء اوست که برخی از رجالیان مانند شوشتری اعتبار آن را مسلم فرض کرده است. این مقاله، ضمن نقد این دیدگاه، به بازنگری اعتبار نسخه کتاب ابن غضائری و نسبت آن به او، پرداخته است. نخست، تاریخچه بحث بیان شده، سپس دیدگاه دیگر رجالیان و دانشمندانی که به این موضوع توجه کرده‌اند، مانند خوئی، فانی، آصف محسنی و بهبودی بیان شده است. در پایان ضمن بازشناسی و ارزیابی وجده از دیدگاه محققان و صاحب‌نظران این علم و ارائه نظریه مختار، معتبرترین راه برای دست یابی به آراء ابن غضائری که نقلیات نجاشی از او است و عدم اعتبار نسخه الضعفاء و رد نسبت آن به مؤلف، تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن غضائری، الضعفاء، تضعیف، وجده، نسخه.

*. مقاله پژوهشی؛ تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۵/۰۶؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴.

A Critical Analysis of Ibn Ghazairi's Al-Zo'afa

Tohid Pashaie Aghababa

Ph.D. graduate, Tarbiat Modarres University

Dr. Nahla Ghoravi Nayini

Professor of Tarbiat Modares University

Abstract

One of the important tradition narration scholars is Ibn Ghazairi, who is known for his great and rapid discrediting of narrators. In his tradition book, "Al-Dho'afa" he has discredited many tradition narrators. His views have been rejected by many tradition narrators, with only a few heeding his ideas. A contemporary tradition narrator, Sheikh Mohammed Taqi Shooshtari, has defended him in the book "Ghamous al-Rijal" that relies heavily on his invalidation.

Irrespective of the validity or invalidity of Ibn Ghazairi's views, the most fundamental argument is concerned with the validity of his Al-Dho'afa version of the book, which has been verified by tradition narrators the like of Shooshtari. This article, while critiquing this view, revisits the validity of Ibn Ghazairi's book and its attribution to him. First, a history of the debate is introduced, along with the ideas of other tradition narrators and scholars who have taken debated this issue, such as Khoei, Fani, Asef Mohseni, and Behboudi. Finally, while revisiting and evaluating Vejadeh in the views of scholars and experts in this field and presenting the Mokhtar's theory, we explain the most valid way to obtain the ideas of Ibn Ghazairi, who has been credited as the narration of Najashi, as well as discrediting Al-Dho'afa and rejecting its attribution to the author.

Keywords: Ibn Ghazairi, Al-Dho'afa, Invalidation, Wajda, Version

مقدمه

دانشمندان علم رجال از دیرباز برای خود مبانی و آراء رجالی ویژه داشتند که لزوماً با یکدیگر یکسان نبوده و همین امر یکی از اسباب و عوامل پویایی این علم شده است. یکی از دانشمندان این عرصه ابن غضائری است که در کتاب منسوب به او بسیاری از راویان را مورد طعن قرار داده و تضعیف کرده است. این امر سبب اختلاف در اعتبار کتاب الضعفاء و در پی آن تضعیفات او گشته است بگونه‌ای که برخی تضعیفات او را بکلی رد می‌کنند و برخی کاملاً می‌پذیرند. در دوران معاصر، شیخ محمدتقی شوشتری (م ۱۳۷۴ ش)، نگرش ویژه به آراء رجالی ابن غضائری داشته که آن را بر دیگر رجالیان متقدم ترجیح داده است. مسئله اینجاست که آیا نسخه کتاب ابن غضائری فعلی، با صرف نظر از محتوای آن، تا چه حد ارزش و اعتبار دارد؛ مهم‌ترین بحث درباره میزان اعتبار نسخه فعلی کتاب الضعفاء ابن غضائری است. شکی نیست که پیش از اینکه از مطالب هر کتاب حدیثی و رجالی استفاده شود باید اصل نسخه کتاب اصطلاحاً توثیق شود؛ به عبارت دیگر باید بحث شود که آیا نسخه در دست ما معتبر است یا خیر. این موضوع بسیار مهم که ثمرات بسیاری در برداشت‌های رجالی و فقهی دارد، کمتر مورد کاوش و موشکافی قرار گرفته است. این مقاله ضمن درنگ در نگره شوشتری، به بررسی و تحلیل نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری می‌پردازد.

وجه اعتبار کتاب الضعفاء

۱. سیر تاریخی نسخه کتاب الضعفاء

احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری معروف به ابن غضائری فرزند حسین بن عبیدالله غضائری (استاد نجاشی و شیخ طوسی)، از رجالیان برجسته و معروف اوائل قرن پنجم است که کتابی در رجال حدیث به او منسوب است بنام الضعفاء. در خصوص نسخه فعلی کتاب بحث‌های مفصل در گرفته است که آیا این نسخه واقعاً از ابن غضائری است و در نتیجه قابل اعتماد است و یا نسبت نسخه به مؤلف ثابت نیست و بنابراین قابل اعتماد نیست. پیش از وارد شدن در ادله طرفین دعوی لازم است به تاریخچه این نسخه اشاره شود.

شیخ طوسی و نجاشی هیچکدام شرح جداگانه‌ای در کتاب خود به ابن غضائری اختصاص نداده‌اند؛ شیخ طوسی تنها در مقدمه کتاب الفهرست به دو اثر او به نام فهرست الاصول و فهرست المصنفات اشاره کرده است. (رک: طوسی، الفهرست، ۳۲) و نجاشی تنها در یک مورد عبارتی دارد به اینصورت «قال احمد بن الحسين رحمه الله في تاريخه» (نجاشی، ۷۷) که محتمل است که ابن غضائری کتابی با عنوان تاریخ داشته که نجاشی از آن نقل قول کرده است. از سده هفتم کتابی به نام الضعفاء به او

نسبت داده شد که این مقاله در صدد اعتبارسنجی این نسبت است.

هیچ یک از آثار علمی ابن غضائری به دست ما نرسیده است بلکه آنچه فعلاً با نام الضعفاء منسوب به اوست اثری دست دوم از اصل کتاب او است. تا دو قرن پس از نویسنده خبری از این کتاب نبود تا در سده هفتم سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق) در کتاب خود به نام حل الاشکال پنج کتاب اصلی علم رجال را گردآورد که یکی از آنها کتاب الضعفاء ابن غضائری بود. نسخه‌ای از این کتاب به خط مبارک مؤلف آن نزد شهید ثانی بوده (رک: مجلسی، ۱۰/۱۵۴) و در زمان مولی عبدالله تستری جزء کتاب‌های خزانه شهید ثانی بوده است (قهپائی، ۱/۱۰، حاشیه ش ۲) ولی از این کتاب نسخه‌ای در دست نیست و جزء کتاب‌های مفقود به شمار می‌آید. برخی از شاگردان احمد بن طاووس مانند علامه حلی (م ۷۲۶ ق) در کتاب خلاصه الاقوال و ابن داوود حلی (زنده در ۷۱۱ ق) در کتاب الرجال، فراوان از این کتاب ابن غضائری نقل کردند. در سده دهم محقق اردبیلی (م ۹۹۳ ق) از فقهای بنام امامیه در چند جا از کتاب خود از ابن غضائری البته با عنوان غضائری یاد کرده است (رک: اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۸/۴۵۵) شاگرد او مولی عبدالله تستری (م ۱۰۲۱ ق) کتاب الضعفاء را از حل الاشکال استخراج کرد (قهپائی، ۱/۱۱) که نسخه آن در دست است. شاگرد او حسن بن زین الدین پسر شهید ثانی در کتاب خود التحریر الطاووسی نص کتاب ابن غضائری را با استنساخ از حل الاشکال آورد که چاپ شده است. او بر نسخه‌ای از کتاب به خط سید احمد بن طاووس دست یافت که بسیاری از آن در اثر فرسودگی از بین رفته بود و تصمیم گرفت بخش اختیار الرجال کشی را از آن استخراج کند و به باور او از آنجا که مطالب کتاب الضعفاء تنها مربوط به روایان ضعیف بود، نیاز به آن کم بود و لذا مطالب آن را استخراج نکرد (رک: ابن شهید ثانی، حسن ابن زین الدین، ۳-۴) اصل کتاب سید از بین رفت ولی مطالبی از آن در اثر استنساخ باقی ماند از جمله مقدمه سید بر کتاب حل الاشکال که شیخ حسن آن را نقل کرد.

احمد بن طاووس در مقدمه حل الاشکال چنین آورده است: تصمیم گرفتم که در این کتاب نام‌های مصنفان و دیگران از کسانی که مدح یا قدحی درباره او گفته شده، گرد آورم و در ادامه پنج کتاب را نام می‌برد الرجال و الفهرست از شیخ ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، کتاب اختیار الرجال ابی عمرو محمد بن عبدالعزیز کشی و کتاب ابی الحسین احمد بن عباس نجاشی اسدی و کتاب ابی الحسین احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری در ذکر ضعفاء و پس از بیان چینش اسامی کتاب می‌گوید: من به همه این کتاب‌ها روایات متصل دارم غیر از کتاب ابن الغضائری (رک: همان، ۴-۵).

۲. نسخه‌های در دست کتاب الضعفاء

نسخه‌هایی که از کتاب الضعفاء اکنون در دست است نه اصل کتاب است و نه به خط مؤلف آن بلکه

نسخه‌هایی دست چندم هستند. نسخه اول در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. نسخه دیگری نیز از این کتاب موجود است که سید شهاب‌الدین مرعشی (م ۱۴۱۱ ق) آن را از نسخه دیگری استنساخ کرده است. ویژگی مشترک هر دو نسخه این است که برگردان دست چندم نسخه مولی عبدالله شوشتری اند. قهپائی شاگرد شوشتری نسخه استادش را در اختیار داشته و آن را نقل کرده است که با آنچه در دو نسخه فوق‌الذکر آمده تفاوت لفظی که معنا را تغییر دهد، ندارد. ما در اینجا تلفیقی از هر سه نسخه را می‌آوریم: «علم أیدک الله و ایانا انی لما وقفت علی کتاب السید المعظم الاعظم السید جمال الدین احمد بن طاووس فی الرجال فرأیته مشتملاً علی نقل ما فی کتب السلف و قد کنت رزقت بحمد الله تعالی النافع من تلك الكتب الا کتاب ابن الغضائری فإنی ما کنت سمعت له وجوداً فی زماننا هذا و کان کتاب السید هذا بخطه الشریف مشتملاً علیه فحدانی التبرک به مع ظن الانتفاع بکتاب ابن الغضائری ان اجعله منفرداً عنه راجیا من الله العواد الوصول الی سبیل الرشاد.

بدان - خدا تو و ما را تأیید کند- که همانا من وقتی بر کتاب سید بزرگ سید جمال‌الدین احمد بن طاووس در رجال دست یافتم، آن را در بردارنده هر آنچه در کتاب‌های گذشتگان بود یافتم و من به ستایش خداوند متعال سود رساننده، از آن کتاب‌ها همه را در اختیار داشتم مگر کتاب ابن غضائری چون نشنیده بودم که در زمان ما وجود دارد و این کتاب سید به خط شریفش آن را در برداشت پس تبرک از آن به همراه سود بردن از کتاب ابن غضائری مرا تشویق کرد که آن را جدای از آن‌ها قرار دهم در حالی که از خداوند بخشنده امید دارم که به راه درست و هدایت بخش برساند.

در پایان نسخه چنین آمده است: قلت و انا اقل العباد و احوجهم الی رحمة عبدالله بن الحسين التستری: هذا آخر ما وجدته بخط السید فقیه اهل البیت احمد بن طاووس ناقلاً عن کتاب ابن الغضائری فی کتابه الذی جمع فيه ما فی کتب السلف من: کتابی الشیخ رحمه الله و کتاب الکشی و کتاب النجاشی و کتاب ابن الغضائری. و در پایان کتاب چنین گفته است: انا اقول: ان احمد بن الحسين علی ما یظهر لی هو ابن الحسين بن عبيدالله الغضائری قدس سرهما. در ادامه قال احمد بن طاووس: هذا آخر ما نقلته مختاراً من الكتب التي بدأت بذكرها. سپس حدیثی از کشی نقل کرده و سپس گفته: والحمد لله رب العالمین و صلواته علی محمد و آله الطاهیرین. کان الفراغ یوم ثالث عشر من شهر ربیع الآخر سنة أربع و أربعین و سبعمئة (۷۴۴). انتهى.

البته تاریخ پایان نسخه (۷۴۴ ق) قطعاً غلط است زیرا احمد بن طاووس در ۶۷۳ ق از دنیا رفت (رک: ابن داوود حلی، ۴۵) و تاریخ صحیح همانطور که شیخ حسن از نسخه ابن طاووس نقل کرده ۶۴۴ ق است (رک: ابن شهید ثانی، حسن ابن زین‌الدین، التحریر الطاووسی، همان، ۶۶۵)؛ پس ناسخ به اشتباه

تاریخ را ثبت کرده است.

در پایان نسخه دانشگاه چنین آمده است: که در تاریخ دوازده رجب ۱۳۶۳ ق از نسخه شیخ الاسلام مکتوب در تاریخ بیست و سوم جمادی الآخرة ۱۳۳۶ ق نقل شده است.

در پایان نسخه مرعشی چنین آمده است: و کتب السید المیرزا فی آخر نسخه: اقول: انتسخ هذا الكتاب من نسخة مغلوطة مصحفة جدا و بعد ذلك صححته من رجال المولى عناية الله القهپائی و المیر مصطفی و خلاصة العلامة و نحوها. (لمحرره السید میرزا) انتهى. مرحوم مرعشی در حاشیه این نوشته چنین آورده است: بلغ قبلا فی مجالس آخرها يوم الاثنين (۵) جمادی الاولى (۱۳۵۷) مع الاخ فی الله والخلیل فی سبيله الشیخ میرزا احمد اللنکرانی نزیل بلدة قم المشرفة وفقه الله لمرضاته. (الراجی شهاب الدین الحسینی النجفی المرعشی). مرحوم مرعشی در پایان کلامی دارند که ترجمه آن این است: می گویم و من بنده مسکین مستکین ابوالمعالی سید شهاب الدین نجفی حسینی حسنی مرعشی نسابه هستم: این نسخه شریف را از خط مرحوم میرور فاضل متببع بحاث نحیر مورخ سید آقا میرزا اصفهانی ساکن نجف اشرف که از همراهان استاد اساتیدمان در حدیث و متعلقاتش یعنی مولانا حاج میرزا محمد حسین نوری طبرسی صاحب کتاب المستدرک بود، گرفتم. این سید جلیل کتابخانه بزرگی در بردارنده کتاب های نفیس داشت که من برخی از آن ها را زیارت کردم مانند تاریخ خاتون آبادی و برخی مجلدات ریاض العلماء و مانند آن و همچنین در آنجا چند کتاب به خط این سید شریف دیدم ولی متأسفانه این رساله غضاثریه که از خط او گرفتم به سبب بدخطی، خراب و ناخوانا بود ولی من آنچه به گمانم غلط بود تغییر ندادم به امید اینکه نسخه دیگری را اگر خدای متعال بخواهد پیدا کنم و با آن تطبیق دهم و برای هر سختی آسانی است و پس از تنگی گشایش است و الحمد لله رب العالمین و الصلاة علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین الطیبین. او ادامه می دهد: مخفی نماند بر تو که در پایان این رساله از عبارت مولى تستری و دیگران مطالبی بود که آن ها را برای تکمیل فائده و اتمام سود و اعتبار بیشتر، به آن ملحق کردم و بدان که من این نسخه شریف را روایت می کنم از پدر نیکوکار خویش علامه زاهد شمس الدین سید محمود بن علی سید الاطباء حسینی تبریزی از شیخش ثقة الاسلام نوری به طریقه شناخته شده اش که در المستدرک و مواقع النجوم و غیره آمده است که به متقدمان منتهی می شود که از جمله آن ها صاحب این رساله شیخ ما غضاثری قدس سره الشریف است والحمد لله تعالی شأنه. و از تحریر این کلمات و استنساخ این رساله فارغ شدم در شب دوم رمضان ۱۳۵۵ نزدیک فجر در حرم شریف که در آن دفن شده است بی بی جلیل پاره رسول الله و دختر امامان بزرگوار سیده ما فاطمه معصومه که درود خدا بر او باد و من نزد سر شریف نشستم در حالیکه ستایش می کنم و درود می فرستم و سلام می دهم.

معلوم نیست نسخه سید میرزا که مرحوم مرعشی نسخه‌اش را از او گرفته، از روی چه نسخه‌ای استنساخ شده و تاریخ آن چه بوده است ولی ظاهراً به احتمال زیاد یا بی تاریخ بوده یا متأخر بوده است وگرنه آن را مرحوم مرعشی ذکر می‌کرد؛ مؤید این مطلب نسخه دیگری منقول از سید میرزا است که تاریخ آن ۱۳۰۸ ق است. نکته جالب توجه آن که آیت الله مرعشی با اینکه نخست تصریح کرده که نسخه را از سید میرزا گرفته و استنساخ کرده که نشان می‌دهد نسخه را در اختیار نداشته؛ چطور می‌گوید که من این نسخه را از پدرم روایت می‌کنم. در هر حال اعتبار این نسخه از نسخه دانشگاه کمتر است.

بهترین نسخه چاپ موجود از کتاب الضعفاء غضائری، تحقیق آقای سید محمد رضا حسینی جلالی است که بر پایه دو نسخه مرعشی و دانشگاه تهران، کتاب را سامان داده و در پاورقی با دقت، متن را با نسخه مجمع الرجال قهپانی مقایسه کرده و موارد اختلاف را ذکر کرده است. محقق کتاب به نسخه شوشتری دسترسی نداشته و ظاهراً در هنگام چاپ کتاب از آن بی اطلاع بوده است چون هیچ اشاره‌ای در مقدمه به آن نکرده است؛ با این حال نسخه‌ای معتبر تر از همه نسخه‌های کنونی الضعفاء ابن غضائری در دست است که به خط شیخ عبدالله شوشتری است که پیش تر اشاره شد. این نسخه تاکنون در کتاب‌های نسخه شناسی حدیثی معرفی نشده است حتی در کتاب فهرستگان نسخ خطی که دارالحدیث چاپ کرده و مربوط به نسخه‌های رجال و درایه است این نسخه عنوان و معرفی نشده است. این نسخه در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. در پایان این نسخه چنین آمده است: و فرغت انا من تسوید هذه الرسالة فی یوم الخمیس ثالث عشر شهر ذی الحجة عام ثمان و ثمانین و تسعمائة فی بلدة جبیع.

۳. نسبت شناسی نسخه فعلی الضعفاء به مؤلف در دیدگاه صاحب‌نظران

پس از اتمام بحث نسخه شناسی دو پرسش اساسی رخ می‌نماید: نخست آیا این کتاب همانی است که ابن غضائری نوشته بوده است یا خیر این کتابی است که به نام او نوشته شده و به او بسته‌اند و کتاب اصلی از بین رفته است. دوم آیا این نسخه کتاب الضعفاء ابن غضائری معتبر است و وجه اعتبارش چیست. پیش از بیان نظریات دانشمندان، گفتنی است از آنجا که آشکار شد نسخه کتاب الضعفاء در اصل از طریق وجاده به دست احمد بن طاووس رسیده و او خود اعتراف کرده که طریقی به آن نداشته، تأمل درباره طریق تحمل «وجاده» و میزان اعتبار آن نزد دانشمندان، لازم به نظر می‌رسد؛ شهید ثانی درباره چنین گفته است: این نوع از اخذ و نقل حدیث آن است که انسانی یک کتاب یا حدیثی را بیابد که روایت شده شخصی باشد به خط او یا معاصر یا غیر معاصر او و از نویسنده آن، این کتاب یا حدیث را نشنیده و اجازه‌ای و مانند آن از او نداشته باشد (شهید ثانی، الرعاية، ۲۹۸). درباره اعتبار آن و روایت از صاحب آن دانشمندان نظراتی گوناگون دارند: شهید ثانی وجاده را دو قسم کرده است: وجاده مطلقه و یعنی وجاده‌ای

که همراه با اجازه نباشد که اگر مورد اطمینان باشد که میان محدثان و اصولیان اختلاف است و شهید ظاهراً از روایت آن منع می‌کند و وجاده مقتدره که با اجازه همراه است که شهید ثانی هیچ اشکالی در جواز روایت و عمل به آن نمی‌بیند چون به اجازه عمل می‌کند (همان، ۳۰۱-۳۰۳). شاگرد شهید، شیخ حسین بن عبدالصمد در این باره بر آن است که اگر مؤلف کتاب شناخته نباشد یا اینکه شناخته باشد ولی نسخه او صحیح و روایت شده بصورت خاص یا عام نباشد، به صحت آن حکم نمی‌شود و اعتماد بر آن در احکام روا نیست و این نظری است که او مخالفی در آن نمی‌داند (رک: حافظیان بابل، رسائل فی درایة الحدیث، ۱/ ۴۴۲). ملاً آغا دربندی عمل به نسخه وجاده‌ای را قبول ندارد (همان، ۱۷۴/۲). ملاً علی کنی (م ۱۳۰۶ ق) می‌گوید: در جایی که بدانند که این مکتوب از شیخ مزبور (صاحب کتاب) باشد به واسطه تواتر و دیگر اسباب علم، قول حق، جواز روایت است و بر همین رویه است سیره اکثر بلکه همه در زمان ما بدون نیاز به ضمیمه کردن چیزی دیگر از چیزهایی که گذشت مگر اینکه متعارف همانطورکه در بسیاری از زمان‌های گذشته بود ضمیمه کردن اجازه به این قسم است (کنی، ۲۶۲). این محقق در ادامه مباحث خود به نکته مهمی اشاره می‌کند و آن این که اگر کتابی از کتاب‌های اخبار را بیایم خواه در آن ذکر شده که تألیف فلان است یا روایت فلان یا نشده باشد و ما هیچ علمی نداشته باشیم به اینکه برای فلان شخص است ولی عادل شهادت بدهند به آن، ظاهراً به سبب شهادت آندو نفر ثابت می‌شود که ما بتوانیم به آن عمل و از آن روایت کنیم تا زمانی که ندانیم یا گمان نکنیم که شهادت آن‌ها یا یکی از آن‌ها از باب اجتهاد یا علم به امارات بوده است (رک: ۲۶۳). مامقانی نیز قائل به جواز بلکه وجوب عمل به وجاده بدون اجازه ولی مورد اطمینان است (رک: مامقانی، مقباس الهدایة، ۲/ ۲۳۹-۲۴۲). نصیر آبادی نیز عمل به نسخه وجاده‌ای را در صورت حصول اطمینان جاز می‌داند (حافظیان بابل، ۲/ ۴۵۴).

۱. نظریه آقا بزرگ طهرانی: ظاهراً نخستین کسی که بحث اعتبار شناسی نسخه کتاب الضعفاء را پیش کشیده آقابزرگ طهرانی است که در این زمینه چنین آورده است: نسبت این کتاب الضعفاء به ابن غضائری مشهور، از مشایخ شیخ الطائفه و شیخ نجاشی اجحافی بزرگ در حق اوست و او بلند مرتبه‌تر از آن است که دست به هتک استوانه‌های دین زند تا اینکه هیچ‌یک از مشهوران به پرهیزگاری و پاکدامنی و شایستگی از جرح او رهایی نیابد پس ظاهراً مؤلف این کتاب از معاندان بزرگان شیعه بوده و قصد تهمت به آن‌ها به هر وجهی داشته بنابراین این کتاب را گردآورده و در آن برای فریب دادن، برخی از سخنان ابن غضائری را درج کرده تا همه تهمت‌ها و زشتی‌هایی که قصد آوردن آن‌ها را داشته پذیرفته شود و در پایان می‌گوید: کتاب مجهول المؤلف است پس چگونه به جرح‌هایش اعتماد می‌شود (آقابزرگ طهرانی، ۱۰/ ۸۹).

۲. نظریه آیت الله خویی: براینده نظریه ایشان آن است که این کتاب به سبب عدم صحت طریق به آن و حتی فقدان طریق، اعتباری ندارد؛ او احتمالاً در مقام پاسخ به کلام شوشتری (با توجه به اینکه کتاب قاموس الرجال شوشتری حدود بیست سال پیش از تألیف معجم رجال الحدیث آقای خویی نوشته شده است) در مقدمه کتاب رجال خود این بحث را مطرح کرده و چنین آورده است: کتاب رجال ابن غضائری نزد متأخران ثابت نشده است و ابن طاووس در هنگام بیان طرق خود به اصول رجالی ذکر کرده که هیچ طریقی به این کتاب ندارد و اما علامه و ابن داوود و قهپائی گرچه بسیار از این کتاب حکایت می‌کنند ولی طریقی به آن ذکر نکردند و مطمئناً طریقی به آن نداشتند. علامه در اجازه کبیره خود اسامی کتاب‌هایی را که به آن‌ها طریقی داشته بیان کرده حتی علاوه بر کتاب‌های اصحاب متقدم بر شیخ و متأخران، بسیاری از کتاب‌های عامه را در حدیث، فقه، ادب و غیره ذکر کرده با اینحال رجال ابن غضائری را ذکر نکرده است؛ این کاشف است از اینکه او طریقی به آن کتاب نداشته و گرنه این کار از بسیاری از طریق‌هایی که در آن اجازه ذکر کرده، اولویت داشت. بله شهید ثانی در اجازه متقدم و آقا حسین خونساری در اجازه به شاگردش امیر ذوالفقار کتاب الرجال حسین بن عبیدالله غضائری را ذکر کردند در میان کتاب‌هایی که طریقتشان را به آن‌ها بیان کردند و چه بسا از آن استنباط می‌شود که کتاب الرجال حسین بن عبیدالله به دست آن دو نفر رسیده بوده ولی واقع خلاف این است؛ چون شهید در طریقتش به این کتاب علامه را نام می‌برد و اینکه این کتاب را به طریق علامه به او روایت می‌کند و دانستی که مطمئناً علامه هیچ طریقی به این کتاب ندارد. علاوه بر اینکه شهید طریقتش را به نجاشی از طریق حسین بن عبیدالله غضائری می‌رساند در حالی که این خلاف واقع است زیرا همانا حسین بن عبیدالله استاد نجاشی است و نجاشی به ترجمه او و ذکر کتاب‌هایش پرداخته و کتاب الرجال را در آن‌ها نیاورده است بلکه در سراسر کتابش چیزی از او که مشعر به این که او کتاب رجال دارد نقل نکرده و نیز شیخ از حسین بن عبیدالله بسیار روایت می‌کند حال آنکه نه کتاب رجال را به او نسبت داده و نه چیزی که مشعر به این که او کتابی در رجال دارد. حاصل مطلب آنکه آنچه شهید ثانی ذکر کرده که طریقی به کتاب حسین بن عبیدالله دارد سهو آشکاری دارد و به این ترتیب وضعیت طریق آغا حسین خونساری روشن می‌شود زیرا طریق او همان طریق شهید ثانی است و کتاب‌هایی را که ذکر می‌کند به طریقتش به شهید روایت می‌کند». (خویی، ۱/ ۴۳-۴۴).

پس از آقای خویی، عده‌ای از شاگردان مستقیم و غیر مستقیم او همین نظر را اتخاذ کردند که چون کتاب به طریق معتبر ثابت نشده معتبر نیست. از جمله آقای آصف محسنی در این زمینه چنین گفته است: عمده کلام ما در عدم اعتماد ما به این دو کتاب ابن غضائری (مراد مصنفات و اصول است) چه از حسین باشد چه پسرش احمد این است که به طریقی معتبر ثابت نشدند و علامه سندش را به آن‌ها ذکر نکرد و چه

بسامی گویند که ابن غضائری کتابی غیر از دو کتاب مذکور دارد که از طریق سید احمد بن طاووس رسیده بنام کتاب الضعفاء و سید مذکور در کتابش حل الاشکال فی معرفة الرجال درج کرده ولی او سند خود را به آن بیان نکرده بلکه از مقدمه کتاب ابن طاووس جمله‌ای نقل شده که دلالت بر عدم وجود سندی نزد او تا کتاب الضعفاء دارد پس مراجع و ملاحظه کن. (آصف محسنی، ۲۱۷) و نیز محقق بحرینی معاصر بر آن است که فقدان سند متصل برای کتاب، اطمینان به آن را کاهش می‌دهد البته با تتبع در کتاب، احاطه مؤلف به احوال رجال آشکار می‌شود گرچه در آراء رجالی او نوعی تسرع به جرح وجود دارد (سند، ۳۱۷).

۳. نظریه آیت الله فانی اصفهانی (م ۱۳۶۸ ش): حاصل کلمات ابن محقق معاصر در این زمینه تلفیقی از نظر آقای طهرانی و آقای خویی است. او بر آن است که نسبت کتاب به مؤلف ثابت نیست و به احتمال بسیار، وضاعان آن را جعل کردند به چند دلیل: نخست شیخ و نجاشی به ذکر احمد نپرداختند؛ دوم شیخ در مقدمه الفهرست تصریح به نابودی و عدم استتساخ دو کتاب ابن غضائری کرده است؛ سوم اگر بر خلاف سخن شیخ استتساخ را بپذیریم دلالت بر وجود کتاب ویژه ضعفاء نمی‌کند. چهارم بر فرض پذیرش دلالت، معلوم نیست که کتابی که به دست علامه رسید، همان کتاب اصل ابن غضائری باشد این امر به دلیل انقطاع خبر آن و عدم شیوع امر این کتاب در زمان فترت میان زمان شیخ و علامه است. دو چیز این مطلب را تأکید می‌کند: یکی اختلاف الفاظ منقول از این کتاب با آنچه در نسخه فعلی وجود دارد و دوم کثرت تضعیفات وارد در این کتاب بطوری که به برخی از بزرگان نیز سرایت کرده مانند احمد بن مهران شیخ کلینی (رک: فانی اصفهانی، ۲۹-۳۲).

۴. نظریه علامه شوشتری: ایشان به این کتاب کاملاً اعتماد می‌کند و آراء او را اغلب بر دیگران ترجیح می‌دهد. او بر آن است که کتاب ابن غضائری کاملاً به دست ما نرسیده بلکه به علامه و ابن داوود رسیده است و نسخه دومی را کامل تر می‌داند (شوشتری، قاموس الرجال، ۱/۵۸). او درباره اعتبار کتاب چنین آورده است: کتاب ابن غضائری گرچه از زمان مجلسی بی‌اعتباری آن شهرت یافت چون او اشخاص جلیل القدر را به سرعت جرح می‌کند ولی این کلام یک سخن قشری و ظاهر گرایانه است در حالی که من مانند او را در دقت نظر ندیدم و او را همین بس که مانند نجاشی که نزد رجالیان ضابط‌ترین رجالی است بر او اعتماد کرده است از جمله در عنوان خیبری و تو از سخن شیخ دانستی که او نخستین کسی است که فهرستی کامل را در مصنفات و اصول شیعه گرد آورد. بنابراین تقدم سخن شیخ و نجاشی بر او معلوم نیست (شوشتری، ۵۵). شوشتری هیچ بحثی درباره وجه اعتبار نسخه کنونی کتاب الضعفاء نکرده که ظاهراً نسبت این کتاب را به ابن غضائری مسلم گرفته است.

عده‌ای از محققان معاصر به این نسخه اعتماد کرده‌اند و عمده دلیل این‌ها اعتماد علامه و ابن طاووس

بر این کتاب است؛ مثلاً آقای ابوالحسن چنین آورده است: «ولکن فی کفایة اعتماد ابن طاووس و العلامة علی الوثوق بصحة الكتاب وجه قوی از لا یظن بأمثالهما ان یستندا الی کتاب لولا قیام الامارات المورثة للوثوق و الصحة علی صحته لديهما...» (ابوالحسن، ۱۸۸). فرزند آقای سیستانی در پاسخ به اشکال سند نداشتن ابن طاووس به کتاب بر آن است که این مطلب ناظر است به اجازه نقل کتب و مصنفات با سندهای متصل به مؤلفانشان برای حفظ روایت از قطع و ارسال و مراد سید آن است که او اجازه روایت کتاب ابن غضائری را نداشته است (رک: سیستانی، ۵۹۴). در پاسخ می‌توان گفت که اولاً اینکه این اسنادها برای اجازه روایت کتاب بوده خود جای بحث دارد و به اصطلاح، اول کلام است. ثانیاً اگر برای اجازه روایت بوده چطور این کتاب را نقل کرده و در کتاب خود قرار داده با اینکه اجازه نقل آن را نداشته و این که علامه و معاصرانش و پس از او این کتاب را نقل کردند و به آراء آن توجه کرده‌اند، نشان دهنده خلاف مدعای آقای سیستانی است. ایشان در ادامه در مقام اطمینان به صحت این نسخه استناد می‌کند به این که سید احمد بن طاووس، نسخه را قاطعانه به ابن غضائری نسبت داده است؛ بنابراین چنانچه قرائن یقین آور و دلایل کافی بر صحت نسخه نزد او نبود در نقد اسانید روایات بر آن اعتماد نمی‌کرد و یقین مانند او در حصول اطمینان به صحت نسخه شأن قابل توجهی دارد (همان، ۶۰۳-۶۰۴) و برخی از نویسندگان (بغدادی، ۱۸۵) نیز تلقی به قبول این کتاب را از سوی دانشمندان، به میان کشیده‌اند؛ عمده پاسخ به این ادعاها همانطور که برخی از محققان (رک: سیفی مازندرانی، ۴۱) نیز بر آن‌اند، آن است که اعتماد علامه و ابن طاووس و مانند آن‌ها به سبب یقینی که برای آن‌ها حاصل شده است، برای ما حجت نیست. نظیر این مطلب در بحث تقسیم احادیث به چهار نوع صحیح، حسن، موثق و ضعیف هست که با توجه فقدان قرائن قدما صورت گرفت و در نتیجه به صحیح قدمایی و صرف اینکه قدما حدیثی را صحیح دانستند، از زمان علامه بسنده نشد. در اینجا نیز قرائن یقین آور نزد علامه و ابن طاووس بوده ولی به دست ما نرسیده تا در یقین آوری آن‌ها نظر شود. در پایان پرسشی به میان می‌آید که وجده چه میزان اعتبار به نسخه می‌بخشد و آیا ما می‌توانیم به آن تکیه کنیم؟ پاسخ در ادامه خواهد آمد.

۵. نظریه آقای بهبودی: آقای محمدباقر بهبودی از محققان معاصر بر آن است که نجاشی بر نسخه چرک نویس یا اصطلاحاً مسوده کتاب الضعفاء ابن غضائری دسترسی داشته و از آن نقل کرده و این نسخه به علامه حلی رسیده و به سبب شواهدی که انتساب آن را به مؤلف اثبات می‌کرده، بر آن اعتماد کرده است. آقای بهبودی مدعی است که مواردی که نجاشی بصورت تصریح یا کنایه از ابن غضائری نقل کرده، بررسی کرده و آن‌ها را مطابق با نسخه فعلی الضعفاء یافته است و بنابراین استشهاد به آن در جرح و تعدیل صحیح است (بهبودی، معرفة الحدیث، ۶۲) او بیست راوی را که ذیل آن‌ها نجاشی از ابن غضائری نقل قول کرده

نام برده است.

۶. **نظریه آقای جلالی:** آقای سید محمدرضا حسینی جلالی در بیان دفاع از نسبت کتاب به ابن غضائری بر آن است که پنهان بودن کتاب در مدت دو قرن مشکلی در تصحیح نسبت آن بوجود نمی‌آورد؛ آن دوره از تاریک‌ترین دوران در تاریخ میراث شیعی است که مصادر و اخبار درباره آن کم است؛ اعتماد شخصی مانند علامه حلی فقیه اعظم، رجالی اکبر و محدث اعلم در عصر خویش، بر این نسخه و محتویات آن دلیلی قطعی است بر صحت نسبت و وصول آن به او به طریقی صحیح و مطمئن و دلیلی نیست بر اینکه او آن را از استادش سید بن طاووس که تصریح کرده که طریقی به آن نداشته و تنها به صورت وجاده دریافت کرده است، گرفته باشد با اینکه وجاده در عصر نزدیک به مؤلف ناگزیر باید معتبر باشد بطوری که نسبت مطلق داده و گرنه چگونه نسبت کتاب را به ابن غضائری فهمیده باینکه او با ورع و متقی بوده و نیز متأخران که محتاط و شناخت تام به رجال و کتب داشتند کتاب را به ابن غضائری نسبت دادند. پس باید به این کتاب اعتماد کرد ضمن اینکه شهید ثانی به طریقی خود به این کتاب تصریح کرده است (رک: ابن الغضائری، الضعفاء، ۱۸-۱۹ مقدمه) برخی از نویسندگان هم در مقاله خود از آقای جلالی پیروی و مدعای او را تکرار کرده است (جلالی، مهدی، جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری، ص ۲۶-۲۷).

۷. **نظریه آیت الله سبحانی:** ایشان نسبت کتاب الضعفاء را به ابن غضائری ثابت دانسته و آن را چهارمین کتاب او شمرده است کتاب اول و دوم اصول و مصنفات که از بین رفت و کتاب سوم کتاب الممدوحین که علامه حلی از آن نقل کرده است. بسیار بعید است که کتاب الضعفاء همان دو کتابی باشد که شیخ در مقدمه الفهرس ذکر کرده باشد زیرا آندو کتاب تنها در بیان مصنفات و اصول است مانند فهرست شیخ بدون بیان وثاقت یا ضعف شخص؛ پس باید غیر از آندو کتاب رجالی داشته باشد برای بیان ضعفاء و ممدوحین همانطور که بعید است فقط کتابی در ضعفاء نوشته باشد بدون اینکه کتابی در ثقات و ممدوحین گردآورده باشد به دلیل اینکه توثیقاتی است که نجاشی از او در خصوص عده‌ای از راویان نقل کرده است علاوه بر اینکه علامه تصریح کرده به تعدد کتابش در ذیل عنوان سلیمان نخعی، عمر بن ثابت و محمد بن مصادف. در صحت نسبت کتاب به ابن غضائری همین بس که منقولات نجاشی از او در موارد بسیار با نسخه موجود تطابق دارد و هرچه در آن بوده نقل نکرده به سبب عدم ثبوتش نزد او (سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۸۷-۹۱؛ تحقیقی پیرامون رجال ابن غضائری (۱)، ص ۶۱-۶۵).

۸. **نظریه مختار:** با تأمل در سخنان محققان فوق الذکر، در کتاب الضعفاء همه شرائط عدم اعتبار جمع است. اولاً نسخه اولیه که به دست ابن طاووس رسیده بود، فاقد اجازه است؛ ثانیاً برای ما علم حاصل

نشده به اینکه مطالب از خود مؤلف باشد نه از طریق تواتر و نه دیگر اسباب علم. ثالثاً در زمان ابن طاووس دو عادل شهادت به این امر ندادند و شهادت بعدی‌ها مانند علامه و ابن داوود ملاک نیست و فرضاً هم بپذیریم از آنجا که ما دست کم گمان داریم که شهادت آن‌ها از باب اجتهاد یا علم به امارات بوده است، ارزش ندارد. بنابراین این کتاب اعتبار ندارد و نسبت آن به مؤلف ثابت نیست؛ دلیل دیگر ما بر عدم اعتبار کتاب، نبودن طریقی معتبر به این کتاب است به خصوص که بصورت و جاده هم به دست ابن طاووس رسیده و نه شیخ طوسی و نه نجاشی و پس از آن‌ها در قرن بعد ابن شهر آشوب و منتجب الدین و ابن ادریس طریقی به این کتاب بیان نکرده‌اند. مؤید گفتار ما این که برخی از معاصران نیز در رد نسبت کتاب به ناشناخته بودن طریقی ابن طاووس و علامه به کتاب (ایروانی، ۳۳۳) و برخی در تضعیف اعتماد به آن به نداشتن سند متصل استناد کردند (سند، ۳۱۷) و برخی از محققان معاصر نیز عدم امکان اثبات نسخه فعلی را سخنی حق دانسته است (رک: حب الله، ۱۴۲). بنابراین ضعف این ادعا که ابن غضائری کتاب الضعفاء و المذمومین و کتاب الثقات و الممدوحین را تألیف نموده که علامه حلی به هردو اثر اشاره کرده است (رک: جلالی، روش ابن غضائری در نقد رجال، ۵۷؛ جلالی و رباطی، بررسی تطبیقی روش ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی، ۱۴۹) و برخی ادعای نقل علامه از آن‌ها را دارند (سبحانی، تحقیقی پیرامون رجال ابن غضائری (۱)، ص ۶۱)، روشن می‌شود؛ اولاً اسم این دو کتاب را هیچ‌یک از قدما نظیر طوسی، نجاشی و خود ابن غضائری ذکر نکرده‌اند و مدرک آن نامعلوم است. ثانیاً علامه حلی در هیچ مورد، اشاره به اسم کتاب نکرده و در آدرسی که نویسنده ارائه کرده تنها چنین آمده است: اختلف قول ابن الغضائری فیه ففی احد الکتابین انه ضعیف و فی الآخر انه ثقة. (حلی، خلاصة الاقوال، ۴۰۴) با تتبع در کتب علامه روشن می‌شود که او نظیر چنین تعبیری را در جای دیگر هم بکار برده (رک: همان، ۴۰۳) ولی هیچ‌جا اسمی از کتاب الضعفاء یا الممدوحین و مانند آن نبرده است. دلایل آقای سبحانی برای مدعای خود کافی نیست اولاً استبعاد عینیت کتاب الضعفاء با اصول و مصنفات و تمثیل آن به فهرست شیخ ناتمام است به دلیل اینکه مانعی ندارد که کتاب فهرس به توثیق و تضعیف راویان هم پردازد چنانکه فهرست نجاشی و فهرس طوسی بهترین شاهد برای این مدعا است. ثانیاً اینطور نیست که حتماً کسی که کتاب در راویان ضعیف نوشته باید درباره راویان ثقه هم کتابی نوشته باشد بلکه موارد خلاف آن بسیار است مانند عقیلی و ابن عدی که تنها کتاب درباره راویان ضعیف دارند ثالثاً نجاشی در هیچ‌جا از کتاب خویش از ابن غضائری نقل توثیق نکرده که بتوان بر پایه آن، وجود کتابی در خصوص راویان ثقه و ممدوح را استنباط کرد. محقق سختکوش کتاب الضعفاء چاپی، جناب آقای سید محمد رضا حسینی جلالی که از صاحب نظران عرصه رجال و حدیث هستند و تحقیق ایشان بر روی این کتاب، توسط

انتشارات دار الحدیث قم چاپ شده، در پاورقی‌های مفصل خود نشان داده که علامه تقریباً تمام مطالب این نسخه را در کتاب خود آورده ولی در اغلب موارد هیچ اسمی از خود ابن غضائری نبرده و تنها در موارد اختلاف در چند مورد نادر به تعبیر فوق‌الذکر یاد کرده است. این مطلب احتمال اینکه علامه در جاهایی که نامی از ابن غضائری نبرده از همین نسخه فعلی نقل کرده و در چند مورد معدود از همان دو کتاب اصول و مصنفات نقل کرده باشد، تقویت می‌کند گرچه در هر صورت چون نامی نبرده و طریقی ذکر نکرده، به آن‌ها اعتماد نمی‌توان اعتماد کرد.

دو مطلب درباره نسخه کتاب ابن غضائری شایان ذکر است: نخست مواردی متعدد در خلاصه علامه به نقل از ابن غضائری وجود دارد که در این نسخه نیست مانند جابر بن یزید جعفی که راویان او تضعیف شده‌اند (رک: علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۹۴ ش ۲۱۳) و برخی از فقیهان معاصر نیز آن را پذیرفته و در مباحث فقهی خود اعمال کرده است (محقق داماد، ۳۴۰/۲). ممکن است که این مطلب در نسخه او بوده که در نسخه فعلی افتاده باشد، ضمن اینکه علامه در دو مورد توثیق از ابن غضائری نقل کرده به نقل از کتاب دیگر او که نام نبرده است (رک: خلاصه الاقوال، ش ۱۵۱۰، ۱۶۳۰) ولی با توجه به توضیحاتی که در پی می‌آید و اینکه علامه طریقی به کتاب الضعفاء و یا کتاب احتمالی الممدوحین نداشته و گرنه آن را در اجازه به بنی زهره (رک: بحار الانوار، ج ۱۰۷) می‌آورد، اعتبار این نقلیات زیر سؤال است. دوم یکی از شاگردان سید احمد بن طاووس معروف به «فاضل آبی» برخی نقلیات از ابن غضائری دارد که به نظر می‌رسد نسبت به نسخه فعلی اضافات دارد مانند آنچه درباره محمد بن موسی سمان آورده که او را رمی به غلو کردند (رک: فاضل آبی، ۳۷۲/۲) در حالی که در نسخه فعلی چنین نیست.

در پایان بحث، ذکر یک نکته ضروری است و آن این که اکثر محققانی که در مقام دفاع از آراء ابن غضائری برآمدند براساس نظراتی که در نسخه فعلی کتاب ضعفاء منعکس است داوری و استنتاج کرده‌اند ولی از آنجا که روشن شد که اصل نسخه کتاب اعتبار ندارد، این داوری‌ها نیز بی اعتبار خواهد بود. مثلاً برخی از نویسندگان معاصر بر آن‌اند که غلبه تضعیف و جرح بر توثیق در رجال ابن غضائری حکایت از سختگیری در جرح و تعدیل راویان دارد (قاسم پور، ص ۱۱۰) البته راه برای رسیدن به آراء ابن غضائری بسته نیست؛ معتبرترین منبع برای دستیابی به آراء ابن غضائری، فهرست نجاشی است که در بیست مورد، تصریح به نام احمد بن الحسین کرده که در برخی موارد با عبارت قال احمد بن الحسین (ش ۷۴، ۱۱۷، ۲۰۰، ۱۸۲، ۲۲۵، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۷۰، ۵۲۷) و در برخی جاها به صورت ذکر احمد بن الحسین (ش ۱۵۴، ۳۱۰، ۳۹۵، ۴۰۸، ۵۱۷، ۵۲۷، ۶۷۶، ۱۲۵۴) از او نقل مطلب کرده است. تفصیل این موارد در جدول شماره یک تبیین شده است. از این موارد آشکار می‌شود که نجاشی تنها در سه مورد نقل تضعیف

کرده است بنابراین این که برخی از معاصران (سیفی مازندرانی، ص ۴۱) نوشته‌اند که نجاشی جرح بسیاری از اصحاب را از ابن غضائری نقل کرده، صحیح نیست. آقای شوشتری میان مواردی که با عبارت «قال احمد بن الحسین» آغاز می‌شود با «ذکر احمد بن الحسین» فرق گذاشته و بر آن است که عبارت نخست مربوط به موارد نقل شفاهی از ابن غضائری و عبارت دوم برای نقل از کتاب‌های اوست (شوشتری، قاموس الرجال، ۱/ ۴۴۱-۴۴۲) و برخی از محققان معاصر (فضلی، ۱۰۶) نقل شفاهی را استظهار کرده‌اند؛ ولی ظاهراً نمی‌توان چنین سخنی را پذیرفت اولاً مدعایی بدون شاهد است ثانیاً شاهد خلاف آن در دست است و آن اینکه نجاشی ذیل عنوان صالح ابومقاتل الدیلمی چنین آورده است: ذکره احمد بن الحسین و قال: صنف کتابا فی الامامة کبیرا حدیث و کلاما و سماه کتاب الاحتجاج (نجاشی، ش ۵۲۷) و نیز در جای دیگر چنین گفته است: خالد بن یحیی بن خالد ذکره احمد بن الحسین و قال: رأیت له کتابا فی الامامة کبیرا سماه کتاب المنهج. (همان، ش ۳۹۵) با اندک تأمل در موارد فوق معلوم می‌شود که فعل قال و ذکر را در کنار هم بکار برده است و وحدت سیاق حکم می‌کند که منظور و مراد در هر دو یکسان باشد. بنابراین نمی‌توان میان دو تعبیر تفاوت معنایی آنطور که شوشتری مدعی است قائل شد و اختلاف عبارت را باید حمل بر تفتن در تعبیر نمود. بدین ترتیب همه موارد منقول را در جدول ذیل و بدون تفاوت میان عبارات آوردیم. از این موارد می‌توان نقل از چند کتاب ابن غضائری را بدست آورد

به نظر می‌رسد که دو نقد بر نظریه آقای بهبودی وارد است: اولاً ادعای دسترسی به نسخه مسوده و نقل از آن را پیش از آقای بهبودی، سید بحر العلوم مطرح کرد (رک: رجال سید بحر العلوم، ۸۶/۲) ولی شاهد معتبری برای آن وجود ندارد و دست کم مدعیان این نظر، شاهدی معتبر اقامه نکردند. ثانیاً با تتبع در رجال نجاشی و مقایسه با «الضعفاء» ضعف ادعای دوم نیز آشکار می‌شود. نجاشی در بیست مورد تصریح به احمد بن الحسین کرده و از او نقل قول کرده است که هیچکدام آن‌ها در نسخه فعلی الضعفاء نیست. با تتبع در رجال نجاشی، رویه او معلوم می‌شود که هر جا مطلبی از دیگری نقل می‌کند نام قائل آن را آورده مگر در برخی موارد که تعبیر «بعض اصحابنا» را بکار برده که بویژه در قسمت «باب الالف»، مراد شیخ طوسی است (این امر با مقایسه میان نقلیات نجاشی و طوسی در الفهرست معلوم می‌شود برای مثال رک: ش ۱۲ از رجال نجاشی و مقایسه با شماره ۱ از الفهرست؛ ش ۴۶ رجال نجاشی و مقایسه با ش ۳۰ الفهرست) ولی در نقل از ابن غضائری همیشه به نام او تصریح کرده است. ادعای نقل کنایی نجاشی از ابن غضائری و در پی آن مطابقت با نسخه فعلی الضعفاء قابل پذیرش نیست؛ اولاً اعم از مدعاست و معلوم نیست که از ابن غضائری نقل کرده باشد (صرف نظر از رویه نجاشی از نقل از ابن غضائری با تصریح به نام او و پدرش) و صرف مشابهت کافی نیست مگر اینکه موارد مشابهت قابل توجه باشد بطوری

که بتواند نقل از ابن غضائری را اثبات کند ولی چنین نیست. ثانیاً شواهد بسیاری در دست است که خلاف نظر آقای بهبودی را نشان می‌دهد. بدین ترتیب که از مجموع ۱۵۹ عنوان که در نسخه فعلی الضعفاء هست، بیش از بیست مورد، در رجال نجاشی عنوان نشده است علاوه بر اینکه موارد اختلاف اساسی در جرح و تعدیل راویان به وفور یافت می‌شود که همه حاکی از عدم اعتبار نسخه فعلی الضعفاء می‌کند؛ حال آنکه ما اعتماد بالایی از سوی نجاشی به اساتید صاحب‌نظر در رجال و نقل آراء رجالی آن‌ها مانند ابن عقده، ابن نوح، غضائری و فرزند او، ابن غضائری که در برهه‌ای استاد نجاشی بوده (رک: نجاشی، ص ۲۶۹ ش ۷۰۵؛ ص ۳۵۵ ش ۹۴۹)، مشاهده می‌کنیم و چنین اختلاف بسیاری میان استاد و شاگرد بعید به نظر می‌رسد. ناگفته نماند که موارد مشابهت به گونه‌ای نیست که نقل از کتاب ابن غضائری را اثبات کند. موارد متعددی وجود دارد که نجاشی و ابن غضائری قدح را به راوی وارد کردند ولی تضعیفات ابن غضائری نسبت به نجاشی بسیار پر رنگ است و این احتمال که نجاشی تضعیفات را از ابن غضائری گرفته ولی آن‌ها را تعدیل کرده است، با توجه به رویه نقل امانت‌دارانه و مستقیم از کتاب یا بعضاً شفاهی نجاشی که پیش‌تر اشاره شد، بی‌جا است و نیز این سخن آقای سبحانی که «ابن غضائری رویه خاصی داشته و وقتی روایتی در نظر او ناخوشایند بود به شدت از آن متأثر شده و روایت در نظر او بسیار زشت جلوه می‌کرد و در نتیجه عبارات توهین آمیزی بر قلم او جاری می‌شد که در نظر افراد معتدل این تعبیر صحیح نبود در حالی که نجاشی از اعتدال روانی مطلوبی برخوردار بود و لذا وقتی می‌خواست از ابن غضائری چیزی نقل کند، اغراق‌گویی‌ها و زیاده‌روی‌های او را حذف می‌نمود و فقط موارد نیاز خود را از عبارت وی نقل می‌کرد...» (سبحانی، تحقیقی پیرامون رجال ابن غضائری (۲)، ص ۲۹) خود توهینی ناخواسته به ساحت ابن غضائری است که برای توجیه تضعیفات او، بر اساس اطلاعاتی نااثبات از کتابی که اصل وجود آن زیر سؤال است، وی را تا سر حد جنون پایین آورده است با اینکه از منقولات نجاشی از او، اصلاً چنین عدم اعتدال روانی مشاهده نمی‌شود. مهم‌ترین موارد اختلاف آراء نجاشی و ابن غضائری در جدول شماره ۲ آمده است. این موارد غیر موارد فراوانی است که ابن غضائری تضعیف کرده ولی نجاشی به سکوت گذرانده است.

در پایان ناگفته نماند که عبارتی در فهرس نجاشی هست که موهم این است که نجاشی کتاب رجال یا الضعفاء داشته است و آن ذیل عنوان احمد بن محمد بن خالد برقی چنین نگاشته است: قال أحمد بن الحسين رحمه الله في تاريخه: توفي أحمد بن أبي عبدالله البرقي في سنة أربع و سبعين و مائتين. (نجاشی، ص ۷۷، ش ۱۸۲) این عبارت در نظر نخستین از حیث معنا مجمل می‌نماید و منشأ آن مرجع ضمیر غائب در کلمه «تاریخه» است که به چه کسی بر می‌گردد که خود موجب برداشت دو احتمال از آن می‌شود:

احتمال نخست این که به برقی برگردد که در آنصورت تاریخ همان معنای لغوی خود را دارد که اتفاقاً با عبارت پسین که تاریخ وفات برقی است سازگار است. احتمال دوم آن که به احمد یعنی ابن غضائری برگردد که در این صورت کلمه تاریخ با توجه به نمونه‌های مشابه در کلام نجاشی، ظرف مکان و به معنای کتاب تاریخ ابن غضائری خواهد بود. با تأمل در این عبارت و تتبع در کتاب نجاشی و نمونه‌های مشابه (رک: نجاشی، ش ۲۵، ۴۴، ۱۲۲، ۱۲۵ و...) ظن قوی حاصل می‌شود که احتمال دوم درست است. حال پرسش این است که آیا این تاریخ همان کتاب الضعفاء است یا خیر؟ برخی این کتاب را غیر از کتاب الضعفاء و اصول و مصنفات دانسته‌اند (خواجویی، ص ۲۹۱؛ ابوالمعالی کلباسی، ۴۳۷/۲) چند نکته در اینجا شایان ذکر است: اولاً در کلام شیخ طوسی هیچ اشاره به اسم کتاب ابن غضائری نشده بلکه صرفاً موضوع آن‌ها بیان شده است: «فانه عمل کتابین احدهما ذکر فيه المصنفات و الآخر ذکر فيه الاصول» (طوسی، الفهرست، ص ۳۲) پس اینکه مشهور شده که نام دو کتاب ابن غضائری فهرس الاصول و المصنفات و شبیه به آن است ثابت نیست و معلوم نیست اسم اصلی این دو کتاب چه بوده است و ممکن است کلمه تاریخ اشاره به یکی از این دو کتاب باشد. ثانیاً نجاشی به چند نفر از دانشمندان شیعه کتاب التاريخ نسبت داده (نجاشی، ش ۲۳۳، ۲۳۹) و به عده‌ای کتاب الرجال نسبت داده (همان، ش ۷، ۸۸، ۲۱۱، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۵۸) و به برخی کتاب‌هایی در موضوع رجالی ولی با اسمی دیگر مانند الاشتمال علی معرفة الرجال (همان، ش ۲۰۷) و نیز الممدوحین و المذمومین که به ابن داود قمی و شاگردش ابن عمار کوفی نسبت داده (همان، ش ۱۰۴۵، ۲۳۶) با توجه به این موارد چشمگیر و اینکه اختلاف در اسم ظهور در اختلاف محتوا دارد و تأمل در این که خود نجاشی در نام کتاب‌ها دقیق عمل می‌کرده و به صرف تشابه موضوعی در اسامی کتاب‌ها تسامح نمی‌نموده است، ضعف این ادعا که مراد از التاريخ همان کتاب رجال بوده و تمثیل به تاریخ بخاری و تاریخ بغداد خطیب که این دو کتاب رجالی بوده‌اند (رک: هادوی طهرانی، ص ۱۵۵)، ظاهر می‌شود بلکه ما مورد خلاف در دست داریم مانند تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، تاریخ بیهقی و غیره که با اینکه اسم «تاریخ» را با خود همراه دارند ولی کتاب رجالی شمرده نمی‌شوند. با توجه به منحصر بفرد بودن این نمونه در رجال نجاشی، و محتوای منقول که تاریخ وفات بوده، بعید نیست که مراد کتاب جدایی از او نباشد بلکه همان دو کتاب او در اصول و مصنفات باشد که تاریخ وفات صاحب اصل یا تصنیف را در آن قید کرده چنانکه نجاشی و طوسی در موارد بسیار به ذکر تاریخ وفات مصنفان پرداخته‌اند و چیز غریبی نیست و از رویه نجاشی به دور است که ابن غضائری که بسیار به او و نقل آراء او عنایت داشته، چنین کتاب مهمی در تاریخ در عرض آن دو کتاب دیگر داشته باشد و او تنها در یک مورد از آن نقل کند.

جدول شماره ١

ردیف	رجال نجاشی	الضعفاء
١	ابان بن تغلب... قال ابوالحسن احمد بن الحسين رحمه الله: وقع الى بخط ابى العباس بن سعيد قال: حدثنا ابوالحسين احمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي من كتابه فى شوال سنة احدى و سبعين و مائتين قال: حدثنا محمد بن يزيد النخعي قال: حدثنا سيف بن عميرة عن ابان. (ش ٧)	
٢	الحسن ابى قتادة... قال احمد بن الحسين: انه وقع اليه اشعار عمرو بن معدى كرب و اخبراه و صنعته. (٧٤)	
٣	الحسين ابى العلاء... قال احمد بن الحسين رحمه الله: هو مولى بنى عامر (١١٧)	
٤	احمد بن الحسين الصيقل... قال احمد بن الحسين: له كتاب فى الامامة اخبرنا به ابى عن العطار عن ابيه عن احمد بن ابى زاهر عن احمد بن الحسين به. (٢٠٠)	
٥	احمد بن اسحاق الاشعري... قال احمد بن الحسين رحمه الله: رأيت من كتبه كتاب علل الصوم كبير، مسائل الرجال لأبى الحسن الثالث عليه السلام جمعه. (٢٢٥)	
٦	بريد بن معاوية العجلي... قال احمد بن الحسين: إنه رأى له كتابا يرويه عنه على بن عقبة بن خالد الاسدي. (ش ٢٨٧)	

----- -----	جعفر بن عبدالله رأس المذری... قال احمد بن الحسين رحمه الله: رأيت له كتاب المتعة يرويه عنه احمد بن محمد بن سعيد بن عبدالرحمن الهمداني وقد اخبرنا جماعة عنه. (۳۰۶)	۷
كذاب متروك الحديث جملة وفي مذهبه ارتفاع و يروى عن الضعفاء و المجاهيل و كل عيوب الضعفاء مجمعة فيه. (۲۷)	جعفر بن محمد بن مالك... قال احمد بن الحسين: كان يضع الحديث وضعاً و يروى عن المجاهيل. (۳۱۳)	۸
	حماد بن عيسى... قال احمد بن الحسين رحمه الله: رأيت كتاباً فيه عبر و مواظ و تنبيهات على منافع الاعضاء من الانسان و الحيوان و فصول من الكلام فى التوحيد و ترجمته مسائل التلميذ و تصنيفه عن جعفر بن محمد بن على و تحت الترجمة بخط الحسين بن احمد بن شيبان القزويني: التلميذ حماد بن عيسى و هذا الكتاب له و هذه المسائل سأل عنها جعفر عليه السلام و أجابه. (۳۷۰)	۹
----- -----	الحسين بن محمد بن على الازدى... وله كتب كتاب الوفود على النبي صلى الله عليه و آله، كتاب اخبار ابي محمد سفيان بن مصعب العبدى و شعره، كتاب اخبار ابن ابي عقب و شعره ذكر ذلك احمد بن الحسين. (۱۵۴)	۱۰
	حبيب بن اوس ابوتمام الطائي... ذكر احمد بن الحسين رحمه الله أنه رأى نسخة عتيقة- قال: لعلها كتبت فى ايامه او قريباً منه و فى ها	۱۱

	قصيدة يذكر فيها الائمة عليهم السلام حتى انتهى الى ابي جعفر الثاني عليه السلام لانه توفي في ايامه. (٣٦٧)	
----- -----	جعفر بن احمد بن ايوب السمرقندي... ذكر احمد بن الحسين رحمه الله: أن له كتاب الرد على من زعم أن النبي صلى الله عليه وآله كان علي دين قومه قبل النبوة. (٣١٠)	١٢
-----	خالد بن يحيى بن خالد ذكره احمد بن الحسين وقال: رأيت له كتابا في الامامة كبيرا سماه كتاب المنهج. (٣٩٥)	١٣
خيبرى بن على الطحان كوفي ضعيف الحديث غالى المذهب كان يصحب يونس بن ظبيان و يكثر الرواية عنه و له كتاب عن ابي عبدالله عليه السلام لا يلتفت الى حديثه. (ش ٤٣)	خيبرى بن على الطحان كوفي ضعيف فى مذهبه ذكر ذلك احمد بن الحسين. (٤٠٨)	١٤
سهل بن زياد ابوسعيد الأدمى الرازى كان ضعيفا جدا فاسد الرواية والدين و كان احمد بن محمد بن عيسى الأشعري اخرجه من قم و اظهر البرائة منه و نهى الناس عن السماع منه و الرواية عنه و يروى المراسيل و يعتمد المجاهيل. (٦٥)	سهل بن زياد ابوسعيد الأدمى الرازى كان ضعيفا فى الحديث غير معتمد فيه و كان احمد بن محمد بن عيسى يشهد عليه بالغلو و الكذب و اخرجه من قم الى الرى و كان يسكنها و قد كاتب ابامحمد العسكرى عليه السلام على يد محمد بن عبدالحميد العطار للنصف من شهر ربيع الآخر سنة خمس و خمسين و مائتين. ذكر ذلك احمد بن على بن نوح و احمد بن الحسين رحمهما الله. (٤٩٠)	١٥
	سماعة بن مهران... و ذكر احمد بن الحسين رحمه الله: أنه وجد في بعض الكتب أنه مات	١٦

	سنة خمس وأربعين و مائة فى حياة ابى عبدالله عليه السلام قال له: ان رجعت لم ترجع الينا فاقام عنده فمات فى تلك السنة و كان عمره نحواً من ستين سنة. (۵۱۷)	
----- -----	صالح ابومقاتل الديلمى ذكره احمد بن الحسين و قال: صنف كتاباً فى الامامة كبيراً حديث و كلاماً و سماه كتاب الاحتجاج (۵۲۷)	۱۷
----- -----	على بن الحسن بن على بن فضال.... و ذكر احمد بن الحسين رحمه الله: أنه رأى نسخة اخرجها ابوجعفر بن بابويه و قال: حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق الطالقانى قال: حدثنا احمد بن محمد بن سعيد قال: حدثنا على بن الحسن بن فضال عن ابيه عن الرضا عليه السلام و لا يعرف الكوفيون هذه النسخة و لا رويت من غير هذا الطريق. (۶۷۶)	۱۸
----- -----	ابو الشداخ ذكر احمد بن الحسين رحمه الله أنه وقع اليه كتاب فى الامامة موقع عليه بخط الاصل كتاب ابى الشداخ فى الامامة يكون نحواً من خمسين ورقة و أنه أراه لأبيه فلم يعرف الرجل. (ش ۱۲۵۴)	۱۹
----- -----	احمد بن محمد بن خالد.... و قال احمد بن الحسين فى تاريخه: توفى احمد بن ابى عبدالله البرقى فى سنة أربع و سبعين و مائتين. (۱۸۲)	۲۰

جدول شماره ٢		
ردیف	نقل كتاب الضعفاء	نقل رجال نجاشي
١	خيبري بن علي الطحان كوفي ضعيف الحديث غالي المذهب كان يصحب يونس بن ظبيان ويكثر الرواية عنه و له كتاب عن ابي عبدالله عليه السلام لا يلتفت الى حديثه. (ش ٤٣)	خيبري بن علي الطحان كوفي ضعيف في مذهبه ذكر ذلك احمد بن الحسين. (٤٠٨)
٢	سهل بن احمد... الديباجي كان ضعيفا يضع الاحاديث و يروي عن المجاهيل و لا بأس بما رواه من الاشعثيات و بما يجرى مجراها مما رواه غيره. (ش ٦٦)	سهل بن احمد... الديباجي لا بأس به كان يخفي امره كثيرا ثم ظاهر بالدين في آخر عمره له كتاب ايمان ابي طالب رضى الله عنه اخبرني به عدة من اصحابنا و احمد بن عبدالواحد. (ش ٤٩٣)
٣	سليمان بن داود المنقري الاصبهاني ضعيف جدا لا يلتفت اليه يوضع كثيرا على المهمات. (ش ٥٨)	سليمان بن داود المنقري ابويوب الشاذكوني بصري ليس بالمتحقق بنا غير انه روى عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد عليه السلام و كان ثقة... (ش ٤٨٨)
٤	سهيل بن زياد... الواسطي... حديثه يعرف تارة و ينكر اخرى و يجوز ان يخرج شاهدا. (ش ٦٣)	سهيل بن زياد ابويحيى الواسطي.... قال بعض اصحابنا: لم يكن سهيل بكل الثبت في الحديث... (ش ٥١٣)
٥	صباح بن يحيى المزني ابو محمد كوفي.. زیدی حديثه في حديث اصحابنا ضعيف يجوز ان يخرج شاهدا. (ش ٧١)	صباح بن يحيى ابو محمد المزني كوفي ثقة روى عن

ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام. (ش ۵۳۷)		
صالح بن ابی حماد الرازی ابوالخیر ضعیف. (ش ۷۳) الرازی.. کان امره ملبسا يعرف وینکر. (ش ۵۲۶)	۶	
طاهر بن حاتم بن ماهویه القزوینی کان صحیحا ثم خلط. (ش ۵۵۱)	۷	طاهر بن حاتم بن ماهویه القزوینی اخو فارس کان فاسد المذهب ضعیفا وقد كانت له حال استقامة كما كانت لاخیه ولكنها لا تثمر. (ش ۷۴)
عمرو بن ثابت بن هرمز ابوالمقدم... ضعیف جدا. (ش ۷۶)	۸	عمرو بن ثابت بن هرمز ابوالمقدم... ضعیف جدا. (ش ۷۶)
عمر بن توبة ابویحیی الصنعانی فی حدیثه بعض الشئی يعرف منه وینکر.	۹	عمر بن توبة ابویحیی الصنعانی... ضعیف جدا لا یلتفت الیه. (ش ۸۲)
عبدالله بن حماد الانصاری من شیوخ اصحابنا له کتابان احدهما اصغر من الآخر. (ش ۵۶۸)	۱۰	عبدالله بن حماد ابومحمد. الانصاری نزل قم... حدیثه يعرف تارة وینکر اخرى و یجوز ان ینخرج شاهدا. (ش ۹۲)
عیسی بن المستفاد... لم یکن بذاك. (ش ۸۰۹)	۱۱	عیسی بن المستفاد... هو فی نفسه ضعیف. (ش ۱۰۰)
علی بن محمد... بن عنبسة... مضطرب الحدیث. (ش ۶۸۶)	۱۲	علی بن محمد... بن عنبسة... ضعیف روی عن الضعفاء لا یلتفت الیه. (ش ۱۰۱)
فارس بن حاتم بن ماهویه القزوینی نزیل العسکر قل ما روی الحدیث الا شادا. (ش ۸۴۸)	۱۳	فارس بن حاتم بن ماهویه القزوینی فسد مذهبه... لا یلتفت الی حدیثه و له كتب كلها تخلیط. (ش ۱۱۱)
القاسم بن محمد... يعرف	۱۴	القاسم بن محمد... کاسولا... حدیثه يعرف تارة وینکر

بکاسولا لم یکن بالمرضى... (ش ٨٦٣)	اخرى و يجوز ان يخرج شاهدا. (ش ١١٣)	
محمد بن خالد... البرقى و كان محمد ضعيفا فى الحديث و كان ادبنا حسن المعرفة بالاخبار و علوم العرب. (ش ٨٩٨)	محمد بن خالد البرقى... حديثه يعرف و ينكر يروى عن الضعفاء كثيرا و يعتمد المراسيل. (ش ١٣٢)	١٥
المعلى بن محمد البصرى... مضطرب الحديث و المذهب و كتبه قريية. (ش ١١١٧)	المعلى بن محمد البصرى... يعرف حديثه و ينكر و يروى عن الضعفاء و يجوز ان يخرج شاهدا. (ش ١٤١)	١٦
محمد بن اسماعيل... البرمكى... كان ثقة مستقيماً. (ش ٩١٥)	محمد بن اسماعيل... البرمكى... ضعيف. (ش ١٤٦)	١٧
محمد بن عبدالله.. الشيبان ابوالفضل... كان فى اول امره ثبنا ثم خلط و رأيت جل اصحابنا يغمزونه و يضعفونه. (ش ١٠٥٩)	محمد بن عبدالله.. الشيبانى ابوالفضل وضاع كثير المناكير رأيت كتبه و فيها الاسانيد من دون المتون و المتون من دون الاسانيد و آرى ترك ما ينفرد به. (ش ١٤٩)	١٨
يعقوب السراج كوفى ثقة... (ش ١٢١٧)	يعقوب بن السراج كوفى... ضعيف. (ش ١٥٤)	١٩
يحيى بن زكريا الترماشيرى ابوالحسين كان مضطربا... (ش ١١٩٣)	يحيى بن زكريا الترماشيرى ابوالحسين وضاع. (ش ١٥٨)	٢٠

نتیجه‌گیری

۱. تنها اثر رجالی ابن غضائری که نسخه منسوب به او به دست ما رسیده کتاب الضعفاء است ولی از آنجا که این نسخه اعتبار ندارد، استنتاجات بر پایه مطالب موجود در آن، بی اساس است.
۲. داوری درست درباره آراء رجالی ابن غضائری تنها بر پایه نقلیات نجاشی و احتمالاً طوسی ازوست و از آنجا که این نقلیات منعکس کننده تمام آراء رجالی او نیست، طبعاً داوری کامل و دقیقی نمی‌توان کرد.
۳. با تأمل در موارد منقول در فهرس نجاشی در ظاهر بدوی، نجاشی ظاهراً از سه کتاب ابن غضائری نقل قول کرده است. یکی الضعفاء که در دو مورد تضعیف راوی را نقل کرده و در پانزده مورد دیگر از دو کتاب او درباره اصول و مصنفات نقل قول کرده است ولی با توجه به نادر بودن موارد تضعیف به نظر می‌رسد که اصل وجود کتاب الضعفاء از ابن غضائری محل تردید باشد؛ مؤید این مطلب سخن طوسی است که در مقام ذکر کتاب‌های ابن غضائری سخن از الضعفاء نکرده و به کتاب اصول و مصنفات بسنده کرده ضمن اینکه نسخه فعلی الضعفاء بیش از صد و پنجاه راوی را تضعیف کرده که هیچکدام در نقل نجاشی از ابن غضائری نیست با توجه به اینکه نجاشی به او بسیار اعتماد دارد و فراوان از او نقل قول کرده و بسیار بعید به نظر می‌رسد که حجم انبوهی از تضعیفات از نظر نجاشی بگذرد و آن‌ها را نقل نکنند و دو مورد تضعیف را که از ابن غضائری نقل کرده، باید حمل بر نقل شفاهی کنیم، گرچه این احتمال با رویه و عادت نجاشی در نقل از کتاب با عبارات «قال» و «ذکر» در موارد مشابه منافات دارد و احتمال دیگر که قریب به واقع است آن که نقل از یکی از دو کتاب اصول و مصنفات باشد.
۴. تضعیفات منقول از ابن غضائری در فهرس نجاشی با نسخه فعلی الضعفاء اختلاف بسیار دارد علاوه بر اینکه مواردی در نسخه برخی از شاگردان احمد بن طاووس به چشم می‌خورد که در نسخه موجود کتاب الضعفاء نیست که همگی حاکی از عدم اعتبار نسخه موجود الضعفاء است.
۵. دلیل دیگر بر عدم اعتبار کتاب الضعفاء ابن غضائری، نبودن طریقی معتبر به این کتاب است چنانکه آیت الله فانی، آیت الله خویی و برخی از شاگردان ایشان و عده‌ای از محققان معاصر بر آن‌اند، به خصوص که بصورت وجاده هم به دست ابن طاووس رسیده و بدون اجازه بوده و نه شیخ طوسی و نه نجاشی و پس از آن‌ها در قرن بعد ابن شهر آشوب و منتجب الدین و ابن ادریس طریقی به این کتاب بیان نکرده‌اند.
۶. این نظر که نجاشی از نسخه مسوده یا چرک نویس کتاب الضعفاء ابن غضائری نقل کرده و این نسخه بعداً به دست ابن طاووس و سپس علامه و ابن داوود رسیده، شاهد کافی برای اثبات آن وجود ندارد. مؤید این مطلب آنکه ابن طاووس طریقی به این کتاب نداشته و به آن کتاب به طریق وجاده دست یافته و به

نسبت آن به مؤلف یقین نداشته و نقلیات علامه هم در چند مورد دلیل بر وجود کتاب نمی‌شود زیرا نسخه او همان نسخه استادش ابن طاووس بوده است.

۷. شوشتری اصلاً به مباحث اعتبار شناسی نسخه کتاب ابن غضائری پرداخته و نسبت کتاب را مسلم گرفته است و از این بحث مهم غفلت یا تغافل کرده که این خود یکی از نقدهایی است که بر او وارد است.
۸. ادعای اینکه نجاشی کتاب دیگری در «تاریخ» در عرض دو کتاب دیگر در خصوص اصول و مصنفات، نوشته بوده یا اینکه این کتاب همان کتاب الضعفاء او بوده، شواهد کافی برای اثبات ندارد بلکه شواهد خلاف آن ترجیح دارد.

۹. دلایل آقایان بهبودی و سبحانی برای اثبات کتاب الضعفاء و نسبت آن به ابن غضائری، ناتمام و ناکافی است.

۱۰. با توجه به نقل مستقیم و امانت‌دارانه نجاشی از اشخاص و اختلاف بالای منقولات نجاشی از ابن غضائری نسبت به نسخه فعلی کتاب الضعفاء و این مطلب مهم که هر لفظی در علم رجال بار معنایی خاص خود را داراست، توجیحات آقای سبحانی در این خصوص قابل پذیرش نیست.

منابع

- ابن داوود، حسن بن علی، *الرجال*، حقه و قدم له السيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف الاشرف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، *الرجال*، تحقیق: سید محمد رضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
- _____، *الرجال*، نسخه عکسی از اصل خطی محفوظ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابوالحسن، علی، *الفوائد الرجالية*، قم: ذوی القربی، بی تا.
- ایروانی، باقر، *دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالية*، قم: مدین، ۱۴۲۶ ق.
- آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۷۵ ق.
- بغدادی، حمید، *تقییمات ابن الغضائری تحت مجهر التحقیق*، قم: باقیات، ۱۴۳۴ ق.
- بهبودی، محمد باقر، *معرفة الحدیث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعة الامامية*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۲.
- جلالی، مهدی و رباطی، سمانه، «بررسی تطبیقی روش ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیر امامی»، *علوم حدیث*، (۱۳۹۵ ش)، سال ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۴-۱۶۷.
- جلالی، مهدی، «جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری»، *مطالعات اسلامی*، (۱۳۸۴ ش)، شماره ۶۸، ص ۱۱-۴۴.

«روش ابن غضائری در نقد رجال»، *مطالعات اسلامی*، (۱۳۸۳ ش)، شماره ۶۵-۶۶، ص ۵۵-۸۶.

حافظیان بابلی، ابوالفضل، *رسائل فی درایة الحدیث*، قم: دارالحدیث للطباعة والنشر، ۱۴۲۵ ق.
 حب الله، حیدر، *دروس تمهیدیه فی تاریخ علم الرجال عند الامامیه*، تقریر: احمد بن عبدالجبار السمین، بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۳۴ ق.
 حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر القهاهه، ۱۴۳۵ ق.

خواجویی، محمد اسماعیل، *الفوائد الرجالية*، تحقیق: مهدی رجائی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
 خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۱۳ ق.
 سبحانی، جعفر، «تحقیقی پیرامون رجال ابن غضائری (۲)»، *نور علم*، (۱۳۶۵ ش)، شماره ۱۶، ص ۱۹-۲۹.
 _____، «تحقیقی پیرامون رجال ابن غضائری (۱)»، *نور علم*، (۱۳۶۵ ش)، شماره ۱۵، ص ۵۵-۶۷.
 _____، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.

سند، محمد، *بحوث فی مبانی علم الرجال*، تقریر: محمد صالح التبریزی، قم: فدک، ۱۴۲۶ ق.
 سیستانی، محمد رضا، *وسائل الانجاب الصناعیه*، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۵ ق.
 سیفی مازندرانی، علی اکبر، *مقیاس الرواة فی کلیات علم الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.
 شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۵ ق.
 شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الرعاية*، اخراج و تعلیق و تحقیق: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۳ ق.

صاحب معالم، حسن بن زین الدین، *التحریر الطاووسی*، تحقیق: فاضل الجواهری، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۲۵ ق.

_____، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 صدراپی خویی، علی، *فهرستگان نسخه های خطی*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۲.
 طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر القهاهه، ۱۴۱۷ ق.
 فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
 فانی اصفهانی، علی، *بحوث فی فقه الرجال*، تقریر: السید علی حسین مکی العاملی، قم: مرسسه العروه الوثقی، ۱۴۱۴ ق.

فضلی، عبدالهادی، *اصول علم الرجال*، بیروت: دار النصر، ۱۴۱۴ ق.
 قاسم پور، محسن «مقیاسه دیدگاه های رجالی ابن غضائری و نجاشی»، *حدیث پژوهی*، (۱۳۹۲ ش)، سال پنجم، شماره نهم، ص ۸۵-۱۱۲.

- قهپائی، عناية الله، *مجمع الرجال*، تصحيح: ضياء الدين العلامة الاصفهاني، بی جا: مؤسسه اسماعيليان، بی تا.
- كلباسی، محمد بن محمد ابراهيم، *الرسائل الرجالية*، تحقيق: محمد حسين درايي، قم: دار الحديث، ١٤٢٢ ق.
- كنى نهراني، علي، *توضيح المقال في علم الرجال*، تحقيق: محمد حسين مولوي، قم: دارالحديث، ١٤٢١ ق.
- _____، *مقباس الهداية في علم الدراية*، تحقيق: محمد رضا مامقاني، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٢٨ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق.
- محسنی، محمد آصف، *بحوث في علم الرجال*، قم: مركز المصطفى (ص) العالمي للترجمة والنشر، ١٤٣٢ ق.
- محقق داماد، محمد، *كتاب الصلاة*، تقرير: عبدالله جوادی طبری آملی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٦ ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة والبرهان في شرح ارشاد الاذهان*، تحقيق: مجتبی العراقي علی پناه اشتهاردی و حسين يزدی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٤ ق.
- نجاشی، احمد بن علی، *فهرست اسماء مصنفی الشيعة*، تحقيق: سيد موسى الشيرى الزنجاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٨ ق.
- هادوی طهرانی، مهدي، *تحرير المقال في كليات علم الرجال*، قم: مؤسسة بيت الحكمة الثقافية، ١٤٢٦ ق.